

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فلسفه تربیت رسمی و عمومی (تربیت مدرسه‌ای)

دوره های مهارت آموزی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

گروه فلسفه تربیت

فلسفه تربیت

«فلسفه تربیت» دانشی است که محصول اندیشه‌ورزی و تفکر فلسفی آدمی درباره فرآیند تربیت و همه مؤلفه‌های مربوط به آن (اعم از برنامه‌ها، اقدامات، سیاست‌ها، آداب و سنن، عوامل و نهادها، و حتی پژوهش‌ها، نظریه‌ها و دانش‌ها و دیگر امور مرتبط با این فرآیند) است. در این حوزه معرفتی پرسش‌های بسیاری مطرح بوده و هست. اما در یک نگاه کل‌نگرانه می‌توان آن‌ها را در سه گروه بزرگ قرار داد. که این سه عبارت‌اند از: پرسش‌های ناظر به چیستی تربیت (تربیت چیست و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن کدام‌اند؟ انواع آن کدام‌اند؟) پرسش‌های ناظر به چرایی تربیت (تربیت چه ضرورت و اهدافی دارد؟) و پرسش‌های ناظر بر چگونگی تربیت (تربیت باید بر اساس چه اصولی و با چه معیارهایی صورت گیرد؟).

تربیت رسمی و عمومی

نوعی از تربیت که در جوامع امروزی به صورت قانون مند، سازماندهی شده، همگانی با محوریت مدرسه توسط دولت‌ها یا با نظارت آنها برای نسل نوخاسته ارائه می‌شود

تعریف فلسفه تربیت رسمی و عمومی

از آنجا که تربیت رسمی و عمومی یکی از اشکال تربیت در جوامع بشری است بنابر این متناسب با تعریف قبل که از فلسفه تربیت نقل شد می توان گفت که فلسفه تربیتی رسمی و عمومی عبارت است از :

«فلسفه تربیت رسمی و عمومی» دانشی است که محصول اندیشه‌ورزی و تفکر فلسفی آدمی درباره فرآیند تربیت رسمی و عمومی (مدرسه ای) و همه مؤلفه های مربوط به آن (اعم از برنامه ها، اقدامات، سیاست ها، عوامل و نهادها، و حتی پژوهش ها، نظریه ها و دانش ها و دیگر امور مرتبط با این فرآیند) است. که در آن به سه پرسش اساسی چیستی ، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی پاسخهای مستدل می دهد

منطق وجودی درس فلسفه تربیت رسمی و عمومی

عمل اصیل تربیتی عملی **فکورانه** است. عملی است که مبتنی بر **درک** و **فهم موقعیت** است. در واقع یکی از لوازم اصلی تحقق یک عمل اصیل تربیتی داشتن توانایی تحلیل درست از شرایط و بسترش و **مواجهه انتقادی** با آن و تلاش برای اصلاح و بهبود موقعیت است. موقعیتی که عمل فکورانه معلم در آن بروز و ظهور می‌یابد، نهادی است که نوع خاصی از تربیت را که همان **تربیت رسمی و عمومی (قانون مند، سازماندهی شده، همگانی)** را تمهید و ارائه می‌دهد. این سخن بدان معنی است که **عمل تربیتی معلم** بر روی چنین بستری تحقق می‌یابد از این رو معلم بیش از هر موضوع دیگری لازم است این بستر را به خوبی بفهمد. یعنی با **کسب شناخت و درک و فهم** ابعاد و مؤلفه‌های مختلف فلسفه نظام تربیت رسمی و عمومی قادر به **تحلیل، ارزیابی و اصلاح عمل فردی و برنامه‌ها و طرح‌ها** باشد.

منابع درس

۱- اسلایدهای درس که اساتید آن را تدریس می کنند.

۲- فصل دوم کتاب « مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» با عنوان فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران صفحات ۱۹۵-۳۱۲.

بجر بخشهای: مبانی اساسی تربیت (صفحات ۲۰۶-۲۲۵)
و الگوهای نظری ساحت‌های تربیت و ارکان تربیت
(صفحات ۲۹۸ الی ۳۱۲)



ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

▶ نمره کلی : بیست

▶ نمره آزمون پایانی : ۱۲

▶ نمره تکوینی : ۸ (حضور و غیاب ، فعالیت عملی با تعیین استاد)

▶ شیوه آزمون پایانی : برخط و چند گزینه ای شامل سی سوال .

▶ نوع سوالات آزمون : سوالات حیطه شناختی و سطح کاربردی و بالاتر

پیدايشى مدرسه

جديد

عوامل پدیدایی مدرسه جدید

▶ نهضت اصلاح دینی

یکی از مهمترین رویدادهای قرن شانزدهم میلادی که باعث توجه بیشتر به موضوع کودکان و نوجوانان شد. نهضت پروتستان یا اصلاح دینی بود که به رهبری کشیش آلمانی به نام مارتین لوتر (۱۴۸۳ - ۱۵۴۶) انجام شد آرای مارتین لوتر رهبر این نهضت بی تردید آثاری بر تربیت و سازمان های تربیتی آن عصر اروپا داشته است زیرا او بر این باور است که تحقق نیک بختی و امنیت و توانایی هر شهر وابسته به وجود و فعالیت شهروندانی اعضا شایسته و خردمند و درستکار و تحصیل کرده در آن شهر است. لذا هر جامعه برای نگهداری نظم و انتظام در خانواده و داشتن مردان و زنان فرهیخته و باکمال نیازمند تأسیس بهترین آموزشگاه پسرانه و دخترانه در هر منطقه است.

عوامل پدیدایی مدرسه جدید

▶ لوتر هم چنین اعتقاد داشت که تربیت کودکان و نوجوانان باید به هزینه دولت و برای همه مردم باشد. و شهروندان همه اصناف و طبقات از آن برخوردار شوند. آرا و عقاید این متفکر موجب شد که آموزش ابتدایی با تأکید بر آموزش زبان مادری و با دخالت دولت ها برای همگان رونق یابد

انقلاب صنعتی

▶ توسعه اقتصادی و صنعتی در این جوامع ضرورت وجود نیروهای کار که آمادگی های لازم و دانش کافی برای پذیرفتن مسئولیت در محیط های تولید صنعتی را داشته باشد به صورت جدی نمایان می ساخت. این رویداد اجتماعی و اقتصادی مستلزم آن بود که کودکان و نوجوانان قبل از ورود به بازار کار و صنعت و تولید آمادگی های ضروری را کسب کرده باشند. این تقاضای تردید بر توسعه و کارکرد مدارس جدید به صورتی متمایز از تاسیسات تربیتی سابق آثاری قابل توجه داشت

توسعه دیدگاه‌های تربیتی و اهمیت یافتن دوران کودکی

▶ جریان دیگری که در اروپای دوره رنسانس در توسعه و شکل‌گیری مدارس جدید به عنوان نوع ویژه‌ای از تاسیسات تربیتی تاثیر گذار بود ظهور آرا و اندیشه‌های متفکران و اندیشمندان بود که تربیت کودکان و نوجوانان را وجهه همت اصلی در نظریه‌های خود قرار دادند اندیشه ورزانی چون کمنیوس (۱۶۷۰ - ۱۵۹۲). جان لاک (۱۷۰۴ - ۱۶۳۲)، روسو (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲)، پستالوزی (۱۸۲۸ - ۱۷۴۶). این گروه از متفکران در اروپای قرون شانزده، هفده و هجده به طور عمیقی بر سیاست‌ها و برنامه‌های موسسات فعال در زمینه تربیت کودکان و نوجوانان تاثیر گذاشتند چالش کشیدند.

توسعه دیدگاه‌های تربیتی و اهمیت یافتن دوران کودکی

آنها ضمن برشمردن اهمیت دوران کودکی و نوجوانی برای تحقق توانایی‌ها و ظرفیت‌های عمومی فطری انسان به آمادگی آنها برای ورود به زندگی و مشارکت بالنده در اجتماعی تاکید کردند و نگاه‌های سنتی را درباره تربیت کودکان و نوجوانان به اجتماعی تاکید کردند و نگاه‌های سنتی را درباره تربیت کودکان و نوجوانان به چالش کشیدند.

تحولات فلسفه سیاسی همراه با انقلاب فرانسه

▶ انقلاب فرانسه موجب شد که برای اولین بار در دوران جدید دولتی بر اساس نظریه دموکراسی فلسفه لیبرالیسم و با رأی ملت و به عنوان نماینده ملت، برای مدیریت تمشیت امور اجتماعی کشور تشکیل شود. طبق نظرات متفکرینی که پشتوانه فکری این انقلاب بودند همه امور جاری ملت، توسط دولت که نماینده ملت بود باید مدیریت می شد. از جمله تربیت مدرسه ای که نیاز جدی آن روز جامعه بود. لذا اساساً تربیت و وظیفه مدیریت تربیت در جامعه عملاً از دست نهاد مذهب (کلیسا) خارج شده و در اختیار دولت (که طبق اصل جمهوری، نماینده ملت بود) قرار گرفت. دولت موظف شده با استفاده از بودجه عمومی (مالیات) خدمات تربیتی و آموزش مدرسه ای را به عموم مردم و خانواده ها ارائه دهد در قوانین موضوعه کشور از جمله قانون اساسی هم ارائه چنین خدماتی که در ساختار مدرسه ارائه می شد. به عهده دولت سپرده شد. ولتر، دیدرو و روسو از رهبران فکری انقلاب کبیر فرانسه محسوب می شوند.

توسعه علوم تجربی

در پی توسعه دانشهای فیزیک شیمی زیست شناسی دانشهای دیگری نظیر جامعه شناسی و حتی روانشناسی از شکل فلسفی آن به شکل تجربی آن گرایش پیدا کردند و این دانشهای نیز توسعه پیدا کردند و علم گرایی از جلوه ای برجسته این روزگار شد. تعلیم و تربیت نیز از این توسعه و گسترش بی نصیب نماند و متاثر از این تحولات شد. هربرت اسپنسر (۱۸۲۰ - ۱۹۰۳) فیلسوف انگلیسی از اولین متفکران غربی است که جریان آموزش و پرورش و برنامه درسی را با اصول جامعه شناسی جدید مربوط کرد. با اینحال وی به سبب آنکه بر کاربرد علوم تجربی در تربیت بیش از حد تاکید کرده است نیز به عنوان یک متفکر مطرح شناخته شده است.

مدرسه جدید و ویژگی های آن

تا اینجای بحث تا حدی روشن شده است که جریان های مختلفی در اروپای قرون رنسانس موجب شد که نهاد تربیتی جدیدی به نام مدرسه که ، آن را مدرسه جدید می نامیم، ظهور پیدا کند و گسترش یابد این نوع مدرسه با اشکال دیگری از مدارس که در تاریخ تمدن های مختلف بشری تجربه شده بود. متفاوت بود این تفاوت ها به روشنی در این ویژگی ها بود:

ویژگی های مدرسه جدید

- ▶ مدرسه همگانی و عمومی بود و برای آحاد جامعه ایجاد شده بود
- ▶ تمشیت امور مدرسه در اختیار دولت ها بود و از بودجه عمومی تأمین می شد.
- ▶ از نظر محتوای آموزشی مدرسه جدید تا حد زیادی از تعالیم دینی و منابع دینی مستقل شده بود
- ▶ از منظر روش هم متفکران لیبرال به دلیل تاکید بر عقل و رشد قابلیت های عقلانی آحاد جامعه آزادی اندیشه و بیان با روش های سنتی القا و تلقین و تاکید بر محفوظات مخالف بوده و آن را مانع رشد واقعی کودکان و نوجوانان تلقی کرده اند. در مدارس تاکید بر روشهایی فعال است اندیشمندانی مانند روسو پستالوزی و دیویی بر این روشها تاکید بسیار داشته اند

تحول در اهداف تربیتی مدرسه جدید

- ▶ توجه به تربیت عقلانی
- ▶ توجه به تربیت سیاسی و مدنی
- ▶ توجه به تربیت اقتصادی
- ▶ توجه به تربیت اجتماعی

مدرسه جدید در ایران :

پیدایش و استقرار

پیشینه نظام آموزشی سنتی: رویه های آموزشی

▶ مکتب خانه

رویه های آموزشی (پداگوژی) جاری در مکتب انتقال شفاهی مطالب، حفظ و باز تولید آن توسط شاگردان بود که عموماً در پاسخ به پرسشهای معلم ابراز می شد. آموزش فردی بود چون هر یک از شاگردان در سطوح مختلف بودند معلم ناچار به هر یک متناسب با وضعیتش آموزش می داد در مکاتب نظام خلیفه ای نیز وجود داشت که شاگردان پیشرفته به شاگردان تازه وارد درس می داند هم چنین خشنونت سختگیری و تنبیه از ورشهای رایج در این تشکیلات آموزشی بود

پیشینه نظام آموزشی سنتی: رویه های آموزشی

► مدرسه

رایگان بودن، داشتن سکونتگاه و شهریه برای شاگردان، آزادی انتخاب استاد، تناسب مواد درسی با استعداد شاگردان، وجود بحث و مناظره شاگرد- شاگرد و شاگرد- استاد، وجود شیوه استادی شاگردی، وجود سیستم شاگرد ارشد، وجود روش یادداشت نویسی (امالی) وجود روش خوانش شرحی متون و در کنار آن پرسش و پاسخ.

تلاش برای ایجاد مدرسه جدید در ایران در عرض مکتب خانه ها

- ▶ مدارس جدید توسط چند جریان توسعه پیدا می کرد:
- ▶ نخست گروهی که تمایلات روشنفکرانه داشتند و راه حل نوسازی کشور را ایجاد ساختار آموزشی شبیه ساختار کشورهای پیشرفته می دانستند. اینها اقدام به تأسیس و گسترش مدارس جدید نمودند. از جمله این افراد می توان به میرزا حسن خان رشديه ، یحیی دولت آبادی ، ایت الله سید محمد طباطبایی ، مفتاح الملک ، طوبی آزموده ، بی بی خانم استر آبادی اشاره کرد. این جریان روشن فکری در سطح کلان تری توسط افرادی چون ملکم خان و فتحعلی آخوندزاده ، عبدالرحیم طالبوف و زین العابدین مراغه ای و سید جمال الدین اسد آبادی تغذیه فکری می شد.
- ▶ تأسیس انجمن مردمی معارف

تلاش برای ایجاد مدرسه جدید در ایران در عرض مکتب خانه ها

- ▶ **گروه دوم**، دولت مردانی بودند که با هدف نوسازی ، بهبود و ارتقا تشکیلات دولتی دل به توسعه ساختار آموزشی جدید بستند تا نیروهای کارآمدی تربیت شده و در مشاغل و مناسب دولتی مشغول بکار شوند. افزون بر امیرکبیر شخصیت هایی چون ، سپهسالار، امین الدوله نماد این دولت مردانی است که توسعه و پیشرفت کشور را در گرو ایجاد ساختارهای آموزش جدید می دیدند. ناصرالدین شاه را هم با کمی تسامح می توان در این گروه قرار داد. او شخصاً به این ساختار آموزشی دل بستگی داشت نقل شده است که در افتتاح مدرسه دارالفنون شرکت کرد.
- ▶ **تاسیس وزارت علوم (معارف)**

نه به مکتب! و اری به مدرسه جدید!

- ▶ مدارس جدید که سعی در جایگزینی مکتب داشتند دارای ویژگی های متفاوتی از مکتب بودند
- ▶ روشهای آموزشی جدید به ویژه در زمینه آموزش خواندن و نوشتن.
- ▶ سازوکارهای متفاوت در ثبت نام، ارزشیابی ، دسته بندی دانش آموزان، اعطای مدرک تحصیلی
- ▶ محتوا و برنامه آموزشی متفاوت مانند آموزش زبان خارجی، علوم تجربی ، تاریخ ، جغرافیا و البته برخی موضوعات بومی مانند زبان عربی شرعیات و...

چالش های تغییر در ساختار نظام آموزشی (نوسازی نظام آموزشی)

- ▶ در کشور ما، از همان آغاز ایجاد مدرسه جدید چه آنهایی که توسط مبلغان مذهبی اروپایی و چه آنهایی که توسط ایرانیان ایجاد می شد با مخالفت های جدی و سختی روبرو می شد. مخالفان را دو گروه در بر میگرفت نخست طبقات حاکم اعیان و اشراف بودند که تحولات و تغییرات را موجب به خطر افتادن منافعشان می دانستند.
- ▶ و گروه دوم مذهبی هایی بودند که این تحولات و تغییرات آموزشی بر آمده از غرب را با روح دین مخالف می پنداشتند در اساس مخالفت های اصیل به سنتگرایان مذهبی تعلق می گرفت. اینان هر چند بعضاً هم نگران از دست دادن نفوذشان بودند. اما شواهد نشان می دهد که در اعتراض هایشان به نظام جدید آموزشی ، دغدغه دینی با تفسیر خاص خود را جدی داشتند.
- ▶ در واقع چالش اصلی نزاع بین سنت و مدرنیتیه بوده است.

تداوم اقتباس در عصر پهلوی

▶ با روی کار آمدن سلسله پهلوی تسلط دولت بر نظام آموزشی شدت یافت و تلاش زیادی برای نو سازی کشور از طریق اقتباس نهادهای جدید (و شاید بهتر باشد گفته شود غربی سازی) صورت گرفت. این جریان چنان شتابی داشت که فرصت مواجهه انتقادی با الگوی نوسازی را نمی داد. نوسازی ایران ظاهر گریانانه و فاقد تامل و ژرف اندیشی بود در این دوران برای گسترش و استقرار نهاد آموزشی جدید اقدامات بسیار مهمی صورت گرفت. شاید از جمله مهمترین آن این بود که در تیرماه ۱۳۲۲ شمسی توسط وزیر وقت آموزش و پرورش یعنی دکتر سیاسی قانونی به مجلس برده شد و مصوب گردید که به موجب آن شش سال دوره ابتدایی، اجباری و رایگان اعلام شد. تلاشهای بعدی بر این شد که دولت بودجه کافی برای ایجاد و توسعه مدارس ابتدایی را برای تحقق این قانون اختصاص دهد. همچنین چند اصل از اصول انقلاب سفید پهلوی دوم به موضوع آموزش اختصاص داده شده بود. ابی داشت که فرصت مواجهه انتقادی با الگوی نوسازی را نمی داد.

چیسٹے تربیت رسمے و

عمومے

پیش سازماندهنده بحث:

► تعريف از مهم ترين مباحث در هر حوزه علمي است . در حوزه علم تربيت نيز تعريف تربيت از مبحث مهم و پرچالش است . در بخش قبل اشاره شده كه تعريف تربيت در معنای عام هدايت گر ما به درك بهتر تربيت مدرسه ای است از انجا كه در اين درس موضوع مورد بحث تربيت مدرسه ای است كه مصداقي از تربيت در معنای عام است بنابر اين چيزی كه در اينجا بايد به روشنگري آن پردازيم اين است كه تربيت مدرسه ای چه ويژگي هائی دارد .

تعریف تربیت

فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت
متریان، به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی،
به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق
آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.

انواع تربیت

طبقه بندی مصادیق فرایند تربیت، که پدیده ای کیفی، پیچیده و گسترده است، برحسب ملاک های متفاوتی می تواند صورت پذیرد که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

انواع تربیت

۱- انواع تربیت با توجه به حیثیت ها یا شئون حیات آدمی

حیات طیبه اگرچه مفهومی یک پارچه و کلی است، اما دربردارنده شئون و جنبه های متعددی است که در ارتباط و تعامل با همدیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می سازند. از آن جا که این شئون استقلال نسبی دارند و باید، علاوه بر تعیین اهداف و انتظاراتی مشخص، زمینه های مناسب تحقق آن ها را نیز با عنایت به خصوصیات همین جنبه ها فراهم کرد. بنابراین تربیت می تواند متناسب با این شئون به انواع ذیل تقسیم گردد؛

- تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه

انواع تربیت

- تربیت زیستی و بدنی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریان در مسیر تحقق شأن زیستی و بدنی حیات طیبه
- تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریان در مسیر تحقق شأن اجتماعی و سیاسی حیات طیبه
- تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریان در مسیر تحقق شأن اقتصادی و حرفه ای حیات طیبه
- تربیت علمی و فناوری؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریان در مسیر تحقق شأن علمی و فناورانه حیات طیبه
- تربیت هنری و زیبایی شناختی؛ ناظر به آماده سازی فردی و جمعی متریان در مسیر تحقق شأن زیبایی شناختی و هنری حیات طیبه

انواع تربیت

۲- انواع تربیت با توجه به مراحل رشد

براساس شباهت ها و تفاوت های موجود در تحولات ساختار جسمانی و روانی اجتماعی انسان، می توان تربیت را به انواع گوناگونی برحسب مراحل رشد (دوره جنینی، نوزادی، کودکی اول، کودکی دوم، اوائل نوجوانی، نوجوانی، جوانی، میان سالی، بزرگ سالی و کهن سالی) تقسیم نمود.

انواع تربیت در مراحل مختلف رشد، ضمن تفاوت و داشتن وجوه اختصاصی، باید به مثابه مقاطع یک حرکت مستمر و در جهت واحد، در پیوستاری تعالی جویانه و هماهنگ ملاحظه شوند. لذا باید میان اهداف، محتوا و روش های تربیت در مراحل گوناگون رشد متریان، ترتیب و تناسب طولی معناداری وجود داشته باشد

انواع تربیت

۳- انواع تربیت با توجه به میزان و نحوه شمول
جریان تربیت را با توجه به میزان شمول آن نسبت به افراد
جامعه، به دو نوع اساسی تربیت عمومی و تربیت تخصصی
تقسیم کرد::

تربیت عمومی

تربیت تخصصی

انواع تربیت

تربیت عمومی: بخشی از فرایند تربیت است که در جهت تکوین و تعالی مداوم هویت متربیان با تأکید بر وجوه مشترک هویت، ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و مشترک ایشان، انجام می شود تا متربیان مرتبه ای ۲ از آمادگی را (برای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی) به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

تربیت تخصصی: بخشی از فرایند تربیت است که در راستای تکوین و تعالی پیوسته وجوه اختصاصی هویت متربیان بر بنیاد تکوین وجوه مشترک هویت ایشان انجام می گردد تا متربیان مرتبه ای از آمادگی را (برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف) به دست آورند که در جهت تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی، وصول به آن مرتبه از آمادگی، تنها برای بخشی از افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

انواع تربیت

4- انواع تربیت با توجه به نحوه حضور متربیان

فرایند تربیت با توجه به نحوه حضور متربیان در آن، به دو نوع زیر قابل تقسیم است:

تربیت الزامی: بخشی از فرایند تربیت است که متربیان باید بر حسب ضوابط قانونی

در آن حضور یابند.

تربیت اختیاری: بخشی از فرایند تربیت است که شرکت متربیان در آن داوطلبانه است.

انواع تربیت

5- انواع تربیت با توجه به نوع سازماندهی و اعتبار قانونی

فرایند تربیت را بر اساس نوع سازمان دهی (ناظر به مؤلفه هایی مانند مرجع تعیین اهداف، انعطاف پذیری، تمرکز تصمیم گیری، زمان بندی و مکان) و اعتبار قانونی، به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم کرد

تربیت غیررسمی: شکلی از فرایند تربیت است که در آن انواع شایستگی های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی، در جهت آماده سازی متریان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازمان دهی مشخص و از طریق تجارب روزمره و اختیاری متریان (مانند حضور در جمع خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه ها و انجمن ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب می شود.

انواع تربیت

تربیت رسمی: بخشی از فرایند تربیت است که به شکل قانونی، سازمان دهی شده (دارای مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین) ضمن حفظ انعطاف پذیری (برحسب خصوصیات متربیان) در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف، متناسب با نیازهای متنوع جامعه، طراحی و اجرا شده و پس از کسب شایستگی های لازم (جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی) به اعطای مدرک معتبر (گواهی نامه ناظر به موفقیت متربیان در کسب این گونه شایستگی ها) می انجامد

ویژگی های تربیت رسمی و عمومی (تربیت مدرسه ای)

▶ در این بحث به سه دسته ویژگی عام، خاص و اختصاصی این نوع از تربیت اشاره خواهیم داشت. منظور از ویژگی های عام، آن دسته از خصوصیات هستند که کم و بیش به صورت یکسان در الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی در کشورهای جهان دیده می شوند و با فلسفه تربیتی جامعه اسلامی ایران نیز توافق دارند. از این رو این خصوصیات در الگوی مطلوب نیز مورد عنایت قرار گرفته است. منظور از ویژگی های خاص آن دسته ویژگی هایی است که در الگوهای رقیب به صورت موردی یافت می شوند اما تأکید بر آن ها در الگوی مطلوب بیشتر است. اما مراد از ویژگی اختصاصی الگوی تربیت رسمی و عمومی آن خصوصیات است که می توانند تمایز اساسی بین الگوی مورد نظر با الگوهای رقیب ایجاد نماید. به نظر می رسد از ترکیب ویژگی های عام، خاص و اختصاصی تربیت رسمی و عمومی می توان خصوصیات اساسی الگوی مطلوب و مد نظر را پردازش نمود.

تربیت رسمی و عمومی (مدرسه ای)

نوعی از تربیت که :

- ▶ در همه ساحت‌های تربیت
- ▶ در دوره کودکی دوم و نوجوانی (۶-۱۸ سالگی)
- ▶ به صورت عمومی
- ▶ به صورت رسمی
- ▶ به صورت الزامی

به آحاد جامعه عرضه می شود.

ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی

- سامان یافتگی؛ تربیت رسمی و عمومی باید از ساختار (مراتب و مراحل) مشخصی برخوردار باشد که مخاطبان طبق شرایط تعریف شده، از این مراتب و مراحل بگذرند.

- قانون مندی؛ دولت بر اساس قوانین اساسی کشور و میثاق های جهانی متعهد است که تربیت رسمی و عمومی را، با کیفیت مطلوب و کامل، برای آحاد اعضای جامعه محقق کند.

- فراگیری نسبت به آحاد جامعه؛ دولت ها برای این که بتوانند مجموعه ای از افراد متنوع را در چهارچوب مرزهای خود با آرمان ها و ارزش های مشترک تحت عنوان ملتی واحد سامان دهند و هم جهت نمایند، ناگزیرند از نظام تربیتی واحدی بهره بگیرند.

ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی

در راستای تحقق پوشش همگانی، تربیت رسمی و عمومی باید به روش ها و ابزارهای مختلف صورت گیرد. هر ابزار و روشی که به تحقق این همگانی شدن و پوشش کمک نماید مطلوب است. اصل اساسی در این راستا تنوع و انعطاف پذیری است؛ یعنی سازوکارها انعطاف پذیر و متناسب با شرایط مخاطبان باشند. در واقع تنوع موقعیت های تربیتی رسمی و عمومی را باید به گونه ای سامان داد که بیشترین افراد لازم التزیه با شرایط مختلف جسمی / جنسی / فرهنگی / اقتصادی و مکانی از حداقلی از کیفیت و کمیت آن برخوردار شوند.

ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی

- ملاحظه تفاوت ها بین متریان؛ توجه به شایستگی های ویژه در الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی، ناظر به خصوصیات مشترک جنسی/جنسیتی، قومی/محلی، دینی/مذهبی، و فرهنگی/ خانوادگی و نیز به تفاوت های فردی موجود در بین اعضای جامعه نیز هست.

- حضور الزامی متریان؛ با توجه به محدودیت های طبیعی دوره های پایین رشد و مخاطراتی که در راه تعالی انسانی وجود دارد، حضور الزامی متریان در موقعیت های مناسب، به بهره مندی آنان از این زمینه ها در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری می رساند

- مدرسه مداری مدرسه زمینه ای سازمان یافته و مناسب برای کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و بهبود پیوسته آن از سوی متریان است و از این رو حضور در مدرسه در سنین خاص برای همه آحاد جامعه، ضرورتی یابد.

ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی

- اعطای مدرک معتبر؛ مدارک معتبر و قانونی که شاخص موفقیت در گذر از مراحل پیش و پیش نیاز حضور در مراحل بعدی تربیت رسمی است به متریان ارائه می گردد.
- پیش نیاز حضور در حیات بالنده فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ تربیت رسمی و عمومی زمینه مناسب کسب صفات و توانمندی های اساسی و ضروری (شایستگی های پایه و ویژه) را در جهت حضور فعال و با نشاط در صحنه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برای عموم آحاد جامعه فراهم می سازد.
- پیش نیاز ورود به انواع تربیت تخصصی؛ تربیت رسمی و عمومی، افزون بر آن که پیش نیاز حضور شایسته افراد جامعه در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی به حساب می آید، می تواند و باید زمینه ورود گروهی از آحاد جامعه به انواع تربیت تخصصی را با ایجاد آمادگی های مقدماتی و لازم در ایشان فراهم سازد

ویژگی های خاص

- عدالت محوري؛ یکی از عرصه های بنیادی بر پاي عدالت اجتماعی، توسعه عدالت در امر تربیت است. یکی از ویژگی های مهم الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران عدالت محوری است.

- نقش آفرینی مؤثر دولت (اسلامی)؛ به طور متعامل با دیگر ارکان تربیت (خانواده، رسانه، نهادها و سازمان های غیر دولتی)؛ دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوري باید علاوه بر سیاست گذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگی های تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه براي همه مخاطبان این نوع تربیت تأمین کند.

- تحول آفرینی و هدایت تغییرات اجتماعی؛ تربیت رسمی و عمومی براساس این دیدگاه، ضمن تکیه بر این نگرش، شرایطی را فراهم می آورد که متریان از انفعال و پذیرش مطلق محیط به سوی مواجهه فعال با محیط و عناصر موقعیت خود روی آورند. آن ها باید با موقعیت های زندگی خود تقادانه برخورد کنند و به اصلاح و بهبود آن ها پردازند

ویژگی های خاص

- ارزش مداری عقلانی؛ نظام تربیت رسمی و عمومی نسبت به مجموعه ای از ارزشها - یعنی نظام ارزش های حیات طیبه و مبانی آن - سوگیری والتزام آشکار دارد، اما می کوشد تا این ارزش ها علی الاصول نخست به نحو جذاب، عقلانی و مستدل برای متریان تبیین و توجیه گردند و در صورت عدم آمادگی فکری متریان نیز حتی الامکان سعی می شود از روش های عاطفی و نرم و غیرمستقیم برای هدایت و جهت دهی متریان به سوی التزام به ارزش ها استفاده شود

- تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع؛ التزام نسبت به کسب شایستگی های پایه، همراه با توجه به شایستگی های ویژه و تأکید بر تکوین و تعالی هویت مشترك (انسانی، اسلامی، ایرانی)، همچنین توجه به وجوه اختصاصی هویت (به خصوص هویت جنسی و جنسیتی متریان)، را می توان جنبه های متمایز نظام تربیت رسمی و عمومی کشورمان دانست.

ویژگی های خاص

- انعطاف پذیری معیار مدار؛ مواجهه فعال با مقتضیات روز آمد، حساس بودن نسبت به تغییرات در شرایط اجتماعی و انعطاف پذیری نسبت به تنوع و تکثر گروه ها و خرده فرهنگ هاست. این گونه گشودگی و انعطاف، هم چنین در عناصر ساختار، محتوا، اهداف و روشها تبلور می یابد.

- تعامل و بهره گیری از تجارب دیگران (در چهارچوب اصول)؛ در نظام تربیت رسمی و عمومی نمی توان به شکل بی حساب و کتاب و بدون ملاحظه تناسب بین تجارب و ایده های مورد استفاده با مفروضات اسلامی و مقتضیات بومی، به اقتباس و تقلید محض از دیگران اقدام کرد یا در جهت مقابل هر گونه استفاده از تجارب دیگران را ممنوع ساخت. لذا، یا باید از ایده ها و تجارب جهانی متناسب با اقتصائات بومی استفاده کرد و یا الگوها و راهکارهایی را، متناسب با مقتضیات فرهنگ اسلامی ایرانی و شرایط بومی، برای نظام تربیت رسمی و عمومی خلق و ابداع نمود

ویژگی های اختصاصی تربیت رسمی و عمومی

- دین مداری؛ انطباق با نظام معیار دینی ویژگی اساسی تربیت رسمی و عمومی تلقی می شود که همه ابعاد و عناصر این نوع تربیت، بر مبانی و ارزش های بنیادی برگرفته از دین مبین اسلام استوار یا با آنها سازگار باشند.
- تکیه بر فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی پاسخگویی نسبت به مقتضیات جامعه امروز ایران؛ انطباق با نظام معیار دینی و تناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی و پاسخگویی نسبت به مقتضیات جامعه امروز ایران وجوه اختصاصی این الگو و تمایز بخش الگوی مطلوب از مدل های رایج تربیت رسمی و عمومی به شمار می آید

تعریف تربیت رسمی و عمومی

► «بخشی از جریان کلان تربیت در جامعه که به شکل سازمان‌دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت- خانواده، رسانه و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی- صورت می‌پذیرد و با تأکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی)- همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متربیان در پی آن است تا متربیان، مرتبه‌ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد».

چرايے و اهداف تربيت

رسمے و عمومے

پیش سازماندهنده بحث

▶ جریانهای اجتماعی در هر عرصه و مکانی و در جامعه ای ، حسب برخی **ضرورتها و اغراض** نمود و یافته و گسترش می یابند. بی تردید مدرسه جدید که موسسه ای برای تحقق شکلی خاص از تربیت است نیز شامل این قاعده نیز هست. بنابر این می توان برای این شکل از تربیت این پرسش فلسفی را پیش کشید که **چرا و به چه منظور** باید تربیت رسمی و عمومی داشت . این فصل تلاشی است در راستای درگیر شدن با این پرسش فلسفی و اقامه پاسخی مستدل به آن.

ضرورت وجودی تربیت مدرسه ای

▶ در جهان امروز، امنیت، استقلال، توسعه و تعالی کشورها و ملت‌ها به وجود انسان‌های شایسته و کارآمدی وابسته است که در شرایط پیچیده و همواره متغیر امروزی، بتوانند موجب بقا و توسعهٔ جامعه شوند. این موضوع چنان اساسی و مهم است که نمی‌توان آن را به فعالیت‌های غیر عمدی و نامنظم و صرفاً جریان تربیت غیررسمی وا گذاشت؛ بلکه باید تمهیداتی قانون‌مند و سازوکاری مناسب (تربیت رسمی نظام‌مند) برای تربیت آحاد اجتماع اندیشید. از این رو نمی‌توان تعالی جامعه را به تربیت گروهی نخبه منوط و متکی ساخت بلکه این امر منوط به توسعه و تعالی بیش‌ترین ظرفیت‌های وجودی افراد اجتماع است.

ضرورت وجودی تربیت مدرسه ای

▶ به نسبتی که زندگی پیچیده تر می شود، ضرورت فعلیت بخشیدن به امکانات و استعدادهاي بالقوه انسانها براي حضور در جامعه پیش تر می شود. به بیان دیگر، جوامع امروزه به انسانهاي نیاز دارند که تواناييهاي انساني وسیع تري در آنها تحقق یافته باشد. به همین دلیل است که واگذاري این امر به سازوکارهاي معمول اجتماعي (تربیت غیررسمي یا محیطي) امري نامعقول به نظر می رسد، زیرا موجب می شود بسیاری از آحاد اجتماع براي زندگی و مشارکت در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعي به شایستگیهاي ضروري مجهز نشوند و ارزشهاي پذیرفته جامعه را - چنان که باید - دروني نکنند و برای برقراري روابط مطلوب با خدا، جامعه و طبیعت قادر نگردند.

ضرورت وجودی تربیت مدرسه ای

▶ انسجام و وحدت در یک جامعه مستلزم تربیت انسان‌هایی است که زمینه‌های باهم‌زیستن و انسجام اجتماعی را داشته باشند. این مهم با شکل‌گیری عناصر معرفتی و گرایشی مشترک در هویت گروهی افرادی تحقق می‌یابد که در چهارچوبی رسمی و اعتباری تحت عنوان «ملت» یا «امت» با همدیگر زندگی می‌کنند. البته این انسجام اجتماعی امری تشکیکی است، به طوری که از خانواده و جامعه محلی شروع می‌شود و به جامعه جهانی می‌رسد. از آنجا که هویت ملی ماهیتی معرفتی و گرایشی و عملی دارد. لذا مهم‌ترین عامل شکل‌گیری آن، نه ساز و کارهای صرفاً سیاسی بلکه ساز و کارهای فرهنگی و به ویژه تربیتی است. از جمله ساز و کارهای تربیت، شکل سازمان دهی شده و قانونمندان، یعنی تربیت رسمی و عمومی است. بنابراین، نهاد تربیت رسمی و عمومی، از عوامل اصلی زمینه‌ساز تکوین و تعالی هویت مشترک و انسجام اجتماعی در سطح ملی به‌شمار می‌رود.

الگوی هرمی هدف گذاری در تربیت تربیت رسمی و عمومی

غایت

اهداف واسطی (کلی)

اهداف جزئی (تفصیلی)

غایت همه نهادهای اجتماعی

تحقق حیات طیبه

غایت تربیت رسمی و عمومی

ایجاد آمادگی در آحاد جامعه برای تحقق
حیات طیبه

اهداف تفصیلی تربیت رسمی و عمومی

- ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ این ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و شامل همه تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متربیان نسبت به مجموعه ای از باورها، ارزش ها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می پذیرد.

- ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ این ساحت ناظر به کسب شایستگی هایی است که متربیان را قادر می سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند

اهداف تفصیلی تربیت رسمی و عمومی

- ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ این ساحت ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بُعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست

- ساحت تربیت علمی و فناوری؛ ناظر به کسب شایستگی‌ها (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها) است که متریان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب مترآم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی (نگاه آیه ای به هستی) و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت (نگاه ابزاری)، بینشی ارزش مدار کسب کنند.

- ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ این ساحت ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است.

اهداف تفصیلی تربیت رسمی و عمومی

- ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری؛ این ساحت ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متربیان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش های هنری) است.

چگونگی تربیت رسمے و

عمومے

پیش سازماندهنده بحث

► مفهوم چگونگی، ناظر به نحوه عملی شدن جریان تربیت رسمی و عمومی، در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است. این مفهوم، به چند موضوع خردتر اما مهم و اساسی تحلیل می‌شود که عبارت‌اند از: اصول کلی، الگوهای نظری (اصول و رویکردهای) حاکم بر ساحت‌های تربیت و ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی. نکته مهم این است که بحث چگونگی در این افق یعنی افق تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی دارای ماهیت نظری است. اگرچه می‌توان گفت با شیئی ملایم به عرصه عمل چشم دوخته است.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی (و در واقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای تعیین سیاست ها، طراحی برنامه ها و هدایت عمل کارگزاران تربیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی قرار می گیرند و از اصول کلی حاکم بر جریان تربیت و مبانی برشمرده تربیت رسمی و عمومی استنباط شده اند؛ لذا در تمامی سطوح تصمیم گیری و عمل تربیتی کاربرد دارند و همه مولفه ها و اجزای این جریان گسترده را در راستای تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای آن هماهنگ می کنند.

اصول کلی تربیت رسمی و عمومی

▶ اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی (و در واقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای تعیین سیاست ها ، طراحی برنامه ها و هدایت عمل کارگزاران تربیتی در نظام تربیت رسمی و عمومی قرار می گیرند و از اصول کلی حاکم بر جریان تربیت و مبانی برشمرده تربیت رسمی و عمومی استنباط شده اند؛ لذا در تمامی سطوح تصمیم گیری و عمل تربیتی کاربرد دارند و همه مولفه ها و اجزای این جریان گسترده را در راستای تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای آن هماهنگ می کنند.

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

1- انطباق با نظام معیار اسلامی؛ فرایند تربیت رسمی و عمومی یکی از سازوکارهای اجتماعی است که زمینه ساز تحقق حیات طیبه است. از این رو به طریق اولی ضرورت دارد با مبانی و ارزش های اساسی دین متناسب، هماهنگ و منطبق باشد.

2- عدالت تربیتی؛ عدالت ارزشی فراگیر است که باید در تمامی جنبه ها و شئون حیات اجتماعی تجلی داشته باشد و تمامی سازوکارهای اجتماعی در راستای آن حرکت کنند. تربیت رسمی و عمومی شامل این قاعده عام است.

3- تأکید بر فرهنگ اسلامی و ایرانی و زبان فارسی؛ با توجه به ضرورت پرداختن به هویت ملی، بهره مندی از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و ارتقای آن در تعامل با سایر فرهنگ ها مد نظر قرار گیرد.

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

4. انسجام اجتماعی؛ بدون وجود این فرایند، آحاد و گروه‌هایی که در یک تجمع انسانی گرد هم آمده‌اند، تداوم و استمرار نخواهد داشت. لذا پیش فرض تحقق حیات طیبه و جامعه صالح ایجاد انسجام است.

5. تنوع و کثرت؛ از منظر انسان‌شناسی و روان‌شناسی تفرد، تنوع و تفاوت در ابنای بشر واقعیتی در خور توجه است. تفاوت و تنوع در ابنای بشر امری طبیعی و سودمند است. از این رو، این واقعیت باید در جمیع جهات خود در فرایند تربیت نیز مورد توجه قرار گیرد.

6. خرد ورزی؛ آدمی به کمک عقل قادر خواهد بود واقعیت‌ها و حقایق تربیت و لوازم عملی مرتبط با آن‌ها را بشناسد. لذا اساساً عمل تربیت، عملی خردورزانه و مستلزم آگاهی است.

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

- 7- حفظ و ارتقای آزادی؛ موقعیت های تربیتی باید سرشار از فرصت هایی باشد که متریان به تمرین و تجربه انتخاب و گزینش دست بزنند تا انواع شایستگی ها از جمله آزادی، به مثابه فضیلت اخلاقی، در آنان توسعه و تعالی یابد.
- 8- سندیت شایستگی محور مریان؛ سندیت و اقتدار مری در تربیت رسمی و عمومی واجد چند ویژگی مهم است: نخست این که انعطاف دارد، یعنی تابع شرایط رشدی مری، ساحت تربیتی و انواع تربیت است. همچنین این گونه سندیت و مرجعیت مریان با عنایت به اصل حفظ و ارتقای آزادی مریان، محرک مشارکت و تعامل با مریان است.
- 9- محبوبیت و مقبولیت مریان؛ محبوبیت و مقبولیت مریان منوط به برقراری رابطه احسان و عدالت است. زیرا رابطه عدالت و احسان که از اصول حاکم بر روابط بین افراد در مدرسه است مانع از تحقق این احتمال خواهد شد که اقتدار و سندیت مری یا کارگزاران مدرسه به سخت گیری و خشونت علیه مریان و به حاکمیت جوی استبداد منشانه در مدرسه بینجامد.

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

- 10- تعامل همه جانبه؛ تعامل در معنای عام ناظر به عمل متقابل و هم فکراته تمامی عناصر تربیت رسمی و عمومی است و در معنای خاص ناظر به رابطه بین مربی و متربی است.
- 11- همه جانبه نگری؛ شناخت ظرفیت های وجودی انسان، فهم و درک عوامل و علت های مداخله گر و ذی نفوذ در فرایند تربیت به نحو عام و در تربیت رسمی و عمومی به نحو خاص و هدایت آن مستلزم نگاهی باز و جامع و همه جانبه نگر است.
- 12- یک پارچگی؛ فرایند تربیت در عین دارا بودن عناصر، اجزا و فرایندها امری واحد و یک پارچه است. لذا باید از کاهش گرایی یا توجه افراطی به برخی فرایندها و مؤلفه ها و نادیده گرفتن برخی اجزا، دوری کرد

الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

- 13- حق محوری و مسئولیت پذیری؛ رعایت حقوق دیگران یکی از ملاک ها و معیارهای راهنمای عمل مربیان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی است.
- 14- پویایی و آینده نگری؛ تربیت رسمی و عمومی، که نماد پویایی هر جامعه و یکی از سازوکارهای نهادینه شده اجتماعی است، باید در مواجهه با تغییرات و تحولاتی که در عصر حاضر بسیار سریع و روز افزون اند، فعال باشد. یعنی ضمن در نظر داشتن چهارچوب های مشخص متناسب با مقتضیات تحولات، در اجزا و عناصر خود تغییر ایجاد کند
- 15- استمرار؛ رشد جریانی است که دارای وحدت تشکیکی است. به تبع این واقعیت فرایند تربیت امری مراتبی، چند جانبه و در عین حال پیوسته است

ب. اصول ناظر به روابط بیرونی

1- پاسخ گویی

یکی از اشکال روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی پاسخ گویی است که در جهت اصلاح، بهبود و هماهنگی فرایندهای آن با هیئت کلی جامعه صورت می گیرد. نقش آفرینی تربیت رسمی و عمومی در راستای زمینه سازی نظام مند و قانون مند به منظور کسب آمادگی متریان برای تحقق حیات طیبه لازم است مورد پایش مستمر قرار گیرد؛

پاسخ گویی نظام تربیت رسمی و عمومی و عناصر آن نسبت به انجام رسالت، کارکردها و وظایف خود؛ ارزش یابی عملکرد نظام تربیت رسمی و عمومی در مراحل مختلف در جهت بهبود و توسعه عملکرد نظام؛ نظارت متقابل ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت پشتیبانی از نظام.

ب. اصول ناظر به روابط بیرونی

2- مشارکت

عملکرد درست یک نظام، به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهاد و نظام های اجتماعی نیز وابسته است. بر این اساس، نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت خود به روابط صحیح با دیگر نهادهای مؤثر و سهم در جریان تربیت نیاز دارد. لذا برای تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی، همگان به نوعی مسئولیت دارند. سخن دیگر، نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و اهداف خود باید از ظرفیت های جامعه حداکثر استفاده را ببرد. بر این اساس، این اصل ناظر بر روابط نظام تربیت رسمی و عمومی با عوامل و محیط های بیرونی نظام است.

ب. اصول ناظر به روابط بیرونی

3- تقدم مصالح تربیتی

تربیت، محور اساسی توسعه حیات آدمی است. در نتیجه باید مصالح تربیتی در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، مورد نظر قرار گیرد و کمک به جریان تربیت، مهم‌ترین معیار در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی به شمار می‌رود. بر این اساس و به نحو اولی، تربیت رسمی و عمومی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. لذا نهادهای محوری جامعه، در هدایت و تحقق شایسته آن، لازم است در تصمیم‌گیری‌های خود ملاحظات تربیتی را جداً مد نظر داشته باشند.

مدرسه صالح

مدرسه صالح

مدرسه فضاي اجتماعي (جامعه) هدفمندی است که از طریق زنجیره ای از موقعیت ها، فرصت حرکت رشد یابنده و تعالی بخش را برای متربیان فراهم می سازد که در آن شایستگی های لازم برای درك و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری های رسمي و غیر رسمي کسب می شود برخورداری از حیات طیبه در بعد جمعی و تحقق جامعه صالح نیازمند مدرسه صالح است. یعنی درکنار خانواده صالح، بقا و توسعه جامعه صالح به وجود مدرسه صالح نیز وابسته است. لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامي یعنی آماده شدن متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف- لازم است

مدرسه صالح

- خصوصیات مدرسه صالح

1- ساده سازی؛ تجارب مدرسه ای متربیان باید تا حد امکان با تجارب زندگی واقعی نزدیک باشد و حتی فعالیت ها و تجارب تربیتی طراحی شده در مدرسه باید ناظر به چالشها و مسائل واقعی زندگی متربیان باشد.

2- پالایش؛ زدودن برخی عوارض و نتایج ناخوشایند نامطلوب احتمالی از برخی تجربیات مدرسه است. جریان رشد متربیان جریانی است که نسبت به عوارض و مخاطرات محیطی و تغییرات نامطلوب محیط بسیار حساس است و به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد. اما از آنجا که این پالایش به قصد حمایت از رشد و تعالی متربیان صورت می گیرد، نباید به شکل تحمیل و تهدید یا محدود سازی افراطی متربیان ظاهر شود.

مدرسه صالح

3- متناسب سازي؛ تجربيات مدرسه، بايد با شرايط رشدي متربيان در همه ابعاد، متناسب باشد. متناسب سازي به ساير ابعاد مدرسه مانند مديريت، مربيان، فضا و تجهيزات نيز تعميم داده مي شود. اين اصل ناظر به يك اصل محوري در منابع و متون تربيتي است كه به پيروي از طبيعت مشهور است. در تنظيم سازوكارهاي تربيتي بايد چگونگي رشدي شئون مختلف حيات متربيان را در نظر گرفت.

4- تعادل؛ مراد از تعادل، تناسب با اصول همه جانبه نگري و يك پارچگي است. مدرسه نه تنها به توسعه بُعد عقلايي و مهارت هاي فكري، بلكه به ابعاد مختلف و ساحت هاي گوناگون حيات انساني توجه مي نمايد. اگرچه هسته اصلي اقدامات تربيتي مدرسه، بر بُعد عقلايي استوار است، اما به سبب يك پارچگي وجود انساني، غفلت از ابعاد ديگر حيات انساني براي مدرسه نارواست.

مدرسه صالح

5- انعطاف پذیری؛ بر مبنای اصل کثرت گرایی و اصل تفاوت های فردی، نظام مدرسه ای باید از حدی از انعطاف برخوردار باشد تا برنامه ها و رویه های جاری در آن دچار جمود و تصلب نگردد. به سخن دیگر، مدرسه صالح از یک سو بر شباهت های انسانی تأکید دارد و در واقع بیشتر سازو کارهای مدرسه بر مبنای چنین شباهت هایی شکل می گیرد. از سوی دیگر با توجه به وجود تفاوت های فردی، سازو کارهای خود را منعطف می سازد تا زمینه تعالی وجودی بیشتر متربیان را فراهم آورد.

مدرسه باید تا حد امکان با شرایط متنوع زندگی متربیان سازگار شود و بکوشد از طریق فراهم آوردن موقعیت های متنوع تربیتی، تمامی متربیان (جامعه هدف) را به سطح مطلوبی از شایستگی های پایه (ضمن توجه به شایستگی های ویژه) برساند. براین اساس تنوع مدارس در شرایط خاص و مبتنی بر نیاز متربیان ضروری به نظر می رسد.

مدارس صالح

6- رابطه احسان و عدالت؛ برقراری روابط عدل و احسان در سطح مدرسه، در واقع زمینه سازی برای تربیت افراد عادل و محسن است، که از اهداف بعثت انبیا و از لوازم تحقق حیات طیبه در جامعه صالح است. اما با توجه به این که ماهیت تربیت اساساً زمینه سازی است، حاکمیت عدل و احسان بر روابط درون مدرسه نیز کارکردی تربیتی خواهد داشت. به سخن دیگر، روابط عادلانه و مبتنی بر احسان از لوازم ضروری تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی در مدرسه است و خود، هدف و غایت تربیت نیز هست. حاکمیت این رابطه در بین آحاد مدرسه صالح، مدرسه را به فضایی احترام بر انگیز و شوق آور برای کسب شایستگی ها تبدیل می کند. از جمله مهم ترین این لوازم، محوریت اخلاق و تحقق عینی ارزش های اخلاقی در مدرسه است. اخلاق در مدرسه صالح به مانند عدالت کارکردی دوگانه دارد: اخلاق از یک سو هدف است،

مدرسه صالح

7- مشارکت و تعاون؛ فضاي حاکم بر محیط های تربیتی، به ویژه محیط های تربیت رسمی، باید به گونه ای باشد که شخصیت متریان را از شکل گیری فردگرایی و رقابت گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط های تربیتی باید به جایی تأکید بر مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضاي رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش (برای تعالی مداوم ظرفیتهای وجودی خویش) روی آورند.

از آنجا که بنای مدرسه صالح اساساً بر مبنای خیر و در راستای زمینه سازی برای انجام اعمال خیر است از این رو همکاری در انجام خیرات اساساً بر تمامی ساز و کارهای مدرسه صالح حاکم است. این همکاری در دو بعد بیرونی و درونی است.